دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۳
۵۱۴
شماره ۴۳۷۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

علی فکری و مجید شاکری در گفت‌وگو با «فرهیختگان» فرصت‌های خنثی‌سازی اثر تحریم‌ها را تشریح کردند

فرمول عبور از تحریم در دورهٔ ترامپیسم

مهدی عبداللهی
دبیرگروه اقتصاد

با تغییر و تحولاتی که در سال‌های اخیر و به ویژه یک سال اخیر در سطح منطقه و دنیا رخ داده، شاید برای بسیاری از ایرانی‌ها این سؤال‌ها مطرح شـــود که ایران در کجای این رخدادها قرار دارد؟ ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای این تحولات جدید برای جامعه ایران چیســـت؟ تکلیف پرونده‌های اصلی سیاست خارجی ایران چه می‌شود؟ چگونه می‌توان با هوشمندی با واقعیت‌های جدید روبه‌رو شد؟ جایگاه ایران در آینده جهان کجاســـت؟ جاگیری و جانمایی ایران در جهان چگونه است و آیا این فلق‌گیری‌ها زمینه توســـعه را فراهم می‌کند؟ مهم‌تر از این‌ها، با تداوم یک دهه تحریم‌های ظالمانه علیه ایران که منجر به تورم‌های بالا و نوسانات شدید در اقتصاد ایران شده، این سؤال هم شاید مطرح شود که ایران قدم‌هایی را برای خنثی‌سازی و رفع تحریم‌ها برداشته یا خیر؟ اگر تاکنون در خنثی‌سازی تحریم‌ها موفق نبوده نقطه ضعف یا مهم‌ترین خلأها در این زمینه چیست؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها، «فرهیختگان» گفت‌وگوی مفصلی با علی فکری، رئیس سابق سازمان سرمایه‌گذاری خارجی ایران و مجید شاکری، اقتصاددان داشته است. دو کارشناس معتقدند تحریم‌های فعلی نتیجه کاهش نقش ایران در جهان بوده و اگر ایران نتواند نقش جدیدی مابین سه قطب یعنی روسیه، چین و آمریکا تعریف کند، مذاکره برای تحریم‌ها نتیجه‌ای در بر نخواهد داشـــت و عملاً ایران تا ابد در تله تحریم باقی خواهد ماند.

عکاس: رستاس خدود/ فرهیختگان

دو دیدگاه کلی در مورد پرونده‌های بازسیاست خارجی و اساساً مشکل و معضل تحریم‌ها در ایران وجود دارد. یکی مذاکره حقوقی است. این گروه معتقدند باید مذاکره کنیم تا تحریم‌ها برداشته شود؛ اما گروه دوم می‌گویند در آسوی ایران میزی به شکل دهه ۷۰ و اوایل دهه ۹۰ امروز برای مذاکره وجود ندارد و با مذاکره حقوقی احتمالاً به جایی نرســـیم. این گروه به داشتن یک ایده کلان درخصوص جانمایی جدید ایران در نظم جهانی معتقدند. جناب آقای فکری دیدگاه جنابعالی چیست؟

فکری اینکه آن طرف، میزی برای مذاکره وجود دارد یا خیر، در هر صورت تفاوتی نمی‌کند. کاری که ما باید اینجا دهیم این است که باید ظرفیت‌های داخلی کشور را به نقطه‌ای برسانیم که قابل‌عرضه باشد، یعنی دیگران به این نتیجه برســـند ارتباط با ما و رابطه با ما بـــرای آن‌ها منفعت دارد و زمانی این منفعت را درنظر بگیرند که مدلی را تعریف کنیم که منافع مشترک بین ما و آن‌ها تعریف شود. در این صورت در حوزه عملی و اجرایی فشارهای تحریمی به‌تدریج روی ما کاهش می‌یابد، پس فکر می‌کنم این سؤال را باید به این شکل تفکیک کرد، یعنی مستقل از اینکه آنجا میزی آماده باشد یا نباشد، اصلاً کسی آمادگی داشته باشد یا دستورالعمل مشخص با ما مذاکره‌ای را داشته باشد یا نداشته باشـــد، ما باید این سمت کار خود را درست انجام دهیم، یعنی باید بتوانیم ظرفیت‌هایی که داریم را در درجه اول بشناسیم و بعد بیینیم بهترین خریدار این ظرفیت‌ها چه کسانی‌اند، بتوانیم با تعریف مدلی از رابطه مبتنی بر منافع مشترک، کاری کنیم که عملاً فشار روی کشور کاهش یابد و در مرحله بعد فرصت‌های توســـعه برای کشور ایجاد شود این مدنی است. آن‌قدر این ظرفیت قدرت که می‌تواند از طریق فعال کردن این ظرفیت‌ها به این هدف برسد.

آقای شـــاکری، شما هم نظر خود را بفرمایید که الان باید چه کار کرد؟ برای مردم این سؤال وجود دارد که اگر می‌خواهیم مذاکره‌ای هم داشته باشـــیم چه ظرفیت‌هایی برای همکاری مشترک وجود دارد و نهایتاً چه آورده‌ای برای ما خواهد داشت؟

شـــاکری دیدگاهی وجود دارد که لباس اجتماعی شایع و حتی در بین جریان‌های کثیری از سیاسیون هم وجود دارد که مشکل و علت اینکه ایران در دوســـیاست خارجی خود زیر ضرب بوده، به‌صورت پیوســـته در طی یک دهه گذشـــته، تصمیمات اصرار است و فکر می‌کنند اراده اینکه خطوط تولید خود را به مکزیک و ویتنام می‌برند و وقتی آمریکایی‌ها می‌خواهند درباره واپســـکی شرکت‌های نایک خود همچون لیل صحبت کنند، ۸۰ درصد سود مربوط به فروش سخت‌افزار این شرکت در ایران میزان ۷۰ درصد در تویت می‌شود. امروز که آمریکایی‌ها در مقابل این ســـؤالند که از چین یا کجا بریم پاسخ این‌ها را به‌عنوان پیمانکار برای ما اجرا کنید. کسی که روی یک پوال دانســـته باشیم مشکلی ندارد؛ یا پول خود عادت کردیم این رفتار را داشته باشیم اما اگر قرار باشـــد به‌طرف چینی بگوییم سرمایه بیاورید، بگوییم اینجا مشارکت کنید. او می‌گوید من در جایی بـــه سرمایه‌گذاری می‌کنم یا در پروژه‌هایی مشارکت می‌کنم که منفعت من هم در آن دیده شده باشد ولی ما عمدتاً این طور نگاه نمی‌کنیم. از نظر ما تفاوتی نیست، ما یکباره در کشور به این نتیجه می‌رسیم که بنزین نیاز داریم پس باید الان چینی‌ها را به قدرت‌های بیرونی تر در تأســـین پالایشگاه‌ها برای ما کار کنند. زمانی پول را خود ما می‌پرداختیم و او پیمانکاری می‌کند. کار خود را انجام می‌دهد و می‌رود؛ ولیکن اگر می‌خواهیم بگوییم او اینجـــا سرمایه‌گذاری کند تا تأمین مالی را به‌عهده بگیرد. اینجا این سؤال را از خود می‌پرســـیم که متفعتی دارد بیاید این کار را انجام دهد؟ چرا باید بیاید برای تولید بنزین در ایران وارد شود و یا چرا برای ساخت بیمارستان در ایران بیاید وارد شود؟ فلان ویلی که هیچ تأثیری در روابط خارجی چین ندارد را چرا باید سرمایه‌گذاری کند؟

این‌ها ناشی از این پدیده که ما در زمان آبراهام لینکلن بودیم، بلکه ســـند با برامساس آن منابع موجود پیمانکار انتخاب کردیم. این فکر الان باید عوض شـــود. الان دوره «تزریـــقنفتی» تمام شده و چین جهت‌ورود نداریم در مدل جدید که سند ۲۵ ســـاله سعی کرده در این مسیر حرکت کند، اما در عمل توانســـتیم عادت نفتی خود را کنار بگذاریم، باید با طرف چینی بنشینیم و بگوییم ملاک‌ارزیابی اینکه بخواهید اینجا بیایید شاید نیاز باشد کردیدو سیکی (CPEC) را در ایران ادامه دهیم. اگر کریدور بین چین و پاکســـتان در ایران تحدیدپذیر چین می‌آورد در این حوزه همکاری‌های خود را در ایران توسعه دهیم. باید بررسی کنیم اولویت‌های ما چیســـت؟ اولویت‌های طرف مقابل چیســـت؟ از این‌ها یک مخرج مشترک بگیریم که آن برنامه همکاری و روابط ایران و چین به‌صورت جزئی می‌شود که بخشی از سند کلانی است که بین دو کشور نهایی شد. وقتی این کار را نمی‌کنیم، یعنی دور هم اینجا می‌نشینیم و یکباره می‌گوییم فلان پیمانرسان تا الان ۲۰ درصد منابع نداشته شد و بقیه را از چین تأمین کنیم. درنهایت طرف چینی به این نتیجه می‌رسد شما هنوز آن تفکر نفتی را دارید و برامساس آن به‌طرف مقابل سفارش می‌دهید و طـــرف مقابل به‌عنوان پیمانکار با پول خود ما این کار را می‌کند ولی اگر قرار باشد او پول بیاورد باید با او مذاکره کنیم و ببینیم کدام پروژه‌ها هم اولویت ما و هم اولویت اوست.

بعدازاین برنامه روابط استخراج می‌شود که اگر این اتفاق بیفتد او هم از این نیســـت که اگر تحریم‌های خارجی را نمی‌توانیم حل کنیم، پس چیزی به نام رفع تحریم‌های داخلی، بهبود فضای کســـب‌وکار، آزادسازی مجوزها را به‌عنوان بدیل معرفی کنیم. این درســـت نیست. راه‌واحدی وجود ندارد. شاید ناچاریـــد بتوانید در رقابت مابین این قدرت‌ها جاگیری و حرکت کنید. باز این جاگیری ادبیات بســـیار پیچیده‌ای دارد، یعنی شما نمی‌توانید در قالب کمپین‌های یک خطی ریاســـت‌جمهوری یا کمپین‌های یک خطی دعوای اصولگرا و اصلاح‌طلب آن را فرموله کنید و از آن به‌عنوان ابزار نبرد سیاست داخلی استفاده کنید. نیاز به چالاکی و تحرک قوا دارد، چون شما بدون تحرک قوا امکان چالاکی نخواهید داشـــت. در وضعیتی که همه می‌توانند مانع هر کاری شوند، اما کسی نمی‌تواند باعث چیزی شود، سیاست خارجی چالاک هم طبعاً دارای معنا نیست و در این گفت‌وگو درباره همین حرف می‌زنیم که معانی این چیست. به طور خاص کشوری که در لبه رقابت قدرت‌های بزرگ قرار می‌گیرد بســـته به اینکه چه انتخاب‌های داخلی نسبت به این رقابت‌ها انجام دهد می‌تواند سرنوشت کاملاً متفاوتی داشته باشد. دو مثال می‌زنم و سریع می‌گذرم. یک مثال بحث را ادامه دهیم.

اوکراینـــ ویونیتام دو مثال کشـــورهایی‌اند که در لبه رقابت قدرت‌های بزرگ قرار دارند و دو سرنوشـــت کاملاً متفاوت دارند. اوکراین به‌دلیل زنجیره‌ای از انتخاب‌های اشـــتباه یک دهه گذشته امروز در موقعیتی است که تمامیت ارضی و خط ساحلی آن از دســـت رفته و همچنین طرف آمریکایی از آن غرامتی می‌خواهد که تقریباً ۲۵ برابر بالاترین میزان هزینه‌کرد آمریکا در داخل اوکراین بوده و مستقیماً در سیاست داخلی اوکراین و اینکه چه کسی باید رئیس‌جمهور شود مداخله می‌کند. از این وضعیت فکر نمی‌کنم بدتر وجود داشته باشد. این حاصل انتخاب خود اوکراینی‌هاست. اما چین حاصل تبدیل سیاست خارجی به موضوع سیاست داخلی و تبدیل آن به موضوع نظام است. در نقطه مقابل اوکراین، ویتنام به‌عنوان کشـــوری که هم با آمریکایی‌ها هم با چینی‌ها جنگ خونین داشـــته، امروز در نقطه رقابت ایجابی این دو کشور در سیاســـت خارجی خود زیر ضرب بوده، به‌صورت پیوســـته در طی یک دهه گذشـــته، توانســـته ابزار است و فکر می‌کنند خطوط تولید خود را به مکزیک و ویتنام می‌برند و وقتی آمریکایی‌ها می‌خواهند درباره واپســـکی شرکت‌های نایک حرف همچون لیل صحبت کنند، ۸۰ درصد سود مربوط به فروش سخت‌افزار این شرکت در ایران میزان ۷۰ درصد در تویت می‌شود. امروز که آمریکایی‌ها در مقابل این ســـؤالند که از چین یا کجا بریم پاسخ این‌ها را به‌عنوان پیمانکار برای ما اجرا کنید. کسی که روی پول دانســـته باشیم مشکلی ندارد؛ یا پول خود عادت کردیم این رفتار را داشته باشیم اما اگر قرار باشـــد به‌طرف چینی بگوییم سرمایه بیاورید، بگوییم اینجا مشارکت کنید. او می‌گوید من در جایی بـــه سرمایه‌گذاری می‌کنم یا در پروژه‌هایی مشارکت می‌کنم که منفعت من هم در آن دیده شده باشد ولی ما عمدتاً این طور نگاه نمی‌کنیم. از نظر ما تفاوتی نیست، ما یکباره در کشور به این نتیجه می‌رسیم که بنزین نیاز داریم پس باید الان چینی‌ها را به قدرت‌های بیرونی‌تر در تأســـین پالایشگاه‌ها برای ما کار کنند. زمانی پول را خود ما می‌پرداختیم و او پیمانکاری می‌کند. کار خود را انجام می‌دهد و می‌رود؛ ولیکن اگر می‌خواهیم بگوییم او اینجـــا سرمایه‌گذاری کند تا تأمین مالی را به‌عهده بگیرد. اینجا این سؤال را از خود می‌پرســـیم که متفعتی دارد بیاید این کار را انجام دهد؟ چرا باید بیاید برای تولید بنزین در ایران وارد شود و یا چرا برای ساخت بیمارستان در ایران بیاید وارد شود؟ فلان ویلی که هیچ تأثیری در روابط خارجی چین ندارد را چرا باید سرمایه‌گذاری کند؟

جناب فکری از دیدگاه شما الان چه پرونده‌های راهشده در سیاست خارجی ایران وجود دارد که مستقیماً به تحریم‌های ما ربط دارد؟ منظور این است چه پرونده‌های بازی وجود دارد که انتفاعی از آن نداریم. به طور خاص به طرح راهبردی ۲۵ ساله با چین اشاره کنم طرح‌آناکانون به نتیجه ملموسی نرسیده است

فکری اول باید کلمه را اصلاح کنیم و برنامه همکاری نیست، بلکه ســـند با چشم‌انداز همکاری‌های طولانی مدت با بلندمدت ایران و چین در حوزه‌های راهبردی است که در آن سند بخش‌های مختلف رابطه را بین ایران و چین که به‌صورت کلی‌اند وارد شده‌اند؛ یعنی ما نمی‌توانیم به نفت خلیج‌فارس وابســـته دانســـته و به طور خاص اهمیت نفت خلیج‌فارس برای آن‌ها یک مســـئله بود، ایجاد و برقراری یک‌سری معاملات به‌لحاظ خطی ساده دوجانبه مابین ایران و آمریکا کار راحتی بود؛ اما از ۲۰۱۴ به بعد، جهت‌گیری سیاســـت خارجی آمریکا به‌صورت رقابت با قدرت‌های بزرگ به‌خصوص قدرت‌های خارج از اروگاهی وجود دارد که هژمونی آمریکا را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. به‌طور خاص، یکی از این رقبا چین اســـت که آمریکا با پیش گرفتن سیاست «ایندوپاسیفیک»، تقابل جدیدی را با این ایران قدرت شروع کرد. دومین رقیب روسیه اســـت که توانســـته بود با استفاده از قیمت‌های بالای انرژی درطول دهه ابتدایی قرن بیســـت‌ویکم، خود را بازسازی کند.

با این پیش‌زمینه‌ای که گفتم، اصلاً اینکه فکر کنیم یک راه‌حل خطی ساده‌ای وجود دارد که این راه‌حل از یک‌ســـری تصمیمات ساده شرط می‌شود و ما می‌نشینیم و با همدیگر به نتیجه می‌رسیم، قطعاً معنا ندارد و راه پیچیده‌ای است و راه یک خطی وجود ندارد. باید بتوانیم مابین سه قطب یعنی روسیه، چین و آمریکا در مســـائلی رقیب، در مسائلی همکار و در مسائلی رقابت برای خود نقشی تعریف کنیم و از هریک از این‌ها استفاده کنیم.

همچنین نکته‌ای که می‌خواهم تأکید کنم این است که در مورد پرونده‌های خارجـــی ایران، چیزی به نام راه‌حل کاملاً داخلی نیز وجود ندارد. این‌طور دیوار است. یعنی ما با یک درآمد بسیار نوسانی نفت در ایران مواجه بودیـــم که به‌خاطر پدیده جنگ، تحریم‌ها و... بود. مقاله آقای محدث و پسران در یک بازه ۱۰۰ساله به‌خوبی توضیح داده و این موضوع را بررسی کرده است. ۱۰۰ساله منظور از زمان رضاشاه تا الان است. در دوره‌هایی میانگین نفت به GDP حدود ۲۵ درصد است و در دوره‌ای هم ۹ درصد اســـت. ما الان در یکی از دوره‌های پایین هستیم. دوره دیگری هم داشته که به‌لحاظ نســـبت درآمد نفتی به GDP اعداد پایین بود ولی رشدهای خیلی بزرگی داشـــتیم که تقریباً در دهه ۴۰ میانگین درآمد نفت ما نسبت به GDP عدد پایینی اســـت به‌خصوص در قیاس با دهه بعد، اما رشدها خیره‌کننده اســـت، یعنی رشد ۸ و خرده‌ای، رشد برنامه چهارم روی ۱۲ و خرده‌ای و رشد صنعتی برنامه چهارم ۱۶ و خرده‌ای است. وقتی شما نگاه می‌کنید می‌بینید به جز عناصر داخلی در آن موضوع بدون یک سیاســـت خارجی فعال مابین قدرت‌های بزرگ عملاً رسیدن به آن رشد نشدنی بود، یعنی در مقطعی محمدرضا پهلوی در مقابل روس‌ها- که- تهدید مستقیم امنیتی و تمامیت ارضی برای کشور بودند- انتخاب می‌کند باب همکاری با آمریکایی‌ها را باز کند اما در دامه انتخاب در نقطه سال ۴۲-۴۳ وقتی به بن‌بست توسعه می‌خورد، روابط جدیدی با با شوروی تعریف کرد.

ذکر این نکته الزامی اســـت که در برنامه توسعه سوم ما حوزه‌صنایع سبک به‌خصوص لوازم‌خانگی و خودروســـازی را انتخاب کرده بودیم و اگر به فولاد و فراوری ذوب‌آهن دســـت پیدا نمی‌کردیم نمی‌توانستیم این‌ها را محقق کنیم و به برنامه بعدی (برنامه چهارم) برویم و اساساً معنای اصلی برنامه عمرانی چهارم همین جنس است. می‌دانیم تلاش محمدرضا پهلوی برای دسترســـی به تکنولوژی تولید فولاد و ذوب‌آهن از طریق آلمان‌ها و‌ویا از سوی آمریکایی‌ها مستقیماً بلوکه شد. براین‌اساس محمدرضا مجبور شد روابطی را با طرف شـــوروی تعریف کند که روابط کاملاً دوجانبه حتی در تســـویه ارزی بود و شاه توانســـت با این روابط دوجانبه، به مرحله بعدی برنامه توسعه برود.

عرض من این اســـت که امروز جمهوری اســـلامی ایران به سه دلیل در وضعیتی بسیار بهتر از وضعیت دهه ۴۰ برای تکرار آن جنس برنامه توسعه برون‌زاست: اولاً محمدرضا سوال مشروعیت داشت و با همه تلاشی که کرد با وجود کارآمدی بالا در دهه ۴۰ هرگز نتوانســـت از سوال مشروعیت خلاص شود و جمهوری اسلامی این سوال را ندارد، چون حکومتی کاملاً مردمی اســـت و بدنه مردمی کاملاً وفادار به خود دارد که در ناکارآترین وضعیت هم پای آن ایستاده‌اند. در ثانی در آن زمان یک دوقطبی دو بلوک وجود داشـــت و امروز این رقابت دو بلوک نیســـت. مرزها خط‌چین است و حتی روســـیه و چین با دو موجودیت کاملاً جدا، در پرونده ایران رقیب هستند و این امکان بازی گسترده‌تری را به شما می‌دهد. سوم اینکه در آن روز توانائی‌های بلوک شرق برای اینکه به شما در حوزه اقتصاد چیزهایی بدهد محدود به صنایع ســـنگین بود و در صنایع سبک حرفی برای گفتن نداشـــت، در حوزه فناوری جدید حرفی برای گفتن نداشت و امروز هم روس‌هـــا هم چین‌ها در حوزه فناوری‌های جدید و حتی لبه‌دانش مثل همین رقابتی کـــه در حوزه هوش مصنوعی برای دوره بعدی وجود دارد، بازیگر قدرتمندی در کنار آمریکایی‌ها هســـتند، پس شما برای رسیدن به این موضوع بسیار نزدیکید اما موقعیت شما مانند آن جنس پشت ویترین مغازه اســـت که ظاهراً یک شیشه فاصله شماست ولی در باطن باید خیلی تلاش کنید تا به آن جنس دســـت پابید. ما در بین دو یا سه نردبان مقاوم‌تیم که در این نردبان‌ها فاصله جای پای آن‌ها با هم فرق می‌کند و هر کدام از از هریک از این جای پاها کوتاه‌تر است اما می‌توانیم تکه‌تک در آن‌ها حرکت کنیم. شـــما پرسیدید به نظر شما وقتی درباره این موضوع صحبت می‌کنیم و درباره چین انتخاب می‌کنیم این منجر به عبور توازن نمی‌شـــود؟ ما الان در عدم توازنیم. معمولاً کلیپی منتشر می‌شود و اظهار تأسف می‌شود که بیشـــتر صادرات نفت ما به چین است و ما چقدر به چین وابسته‌ایم. البته می‌تواند این‌طور باشد که اگر چینی‌ها از ما خرید نکنند این موضوع عدم توازن حل می‌شود و ما فقط اقتصادی و عراق را داریم و ۵۰-۵۰ می‌شود و متوازن است. ولیکن ما الان دو بار وابسته‌ایم. ما در کانال کاملاً آمریکایی به چینی‌ها نفت و کالا می‌فروشیم، ما در یک کانال کاملاً آمریکایی تسریع می‌کنیم، درهم اداراتی کانالی برای دور زدن تحریم نیســـت، یک کانال آمریکایی و معافیت ضمنی بر تحریم‌های آمریکاست. آمریکایی‌ها به ما نشان دادند زمانی که لازم است ما را در اینجا گیر ببینند‌ازش گیر می‌کنند. این مهم‌ترین تفاوت روابط ایران با چین و روابط روســـیه با چین است.

وقتـــی نگاه می‌کنید در دوره جنگ اوکراین، روس‌ها کاملاً به چینی‌ها در حوزه واردات وابسته شدند. در سال ۲۰۲۳ دو ۱۲ میلیارد دلار واردات روس‌ها ۱۱۱ میلیارد از طریق چین اســـت اما این روابط برای روس‌ها بله بعدی را ساخته که نه تنها زمت آن‌ها پایین نیاید، بلکه با نورهای غیرعادی و بالا تیز مواجه نشـــوند و مهم‌تر از آن، بتوانند جلوی تحریم‌های شـــبیه به تحریم‌های ایران (تحریم‌های ســـنگین) بایستند، یعنی خود روس‌ها می‌گویند ما الان در حوزه تجارت مقاومت کردیم که در صورت این توسعه مانع آن تحریم موثر نیست و آن را احساس نمی‌کنند، چه چیزی باعث این شده است؟ روابط آن‌ها با چینی‌ها و روابط دوجانبه اســـت؛ از کانال آمریکا با چین کار نمی‌کنند، نه شکل صادرات آن‌ها، نه نحوه تســـویه، نه شکل تغییر فناوری و هیچ‌یک شـــبیه ما نیســـت که در یک کانال آمریکایی بخواهیم با چین‌ها کار کنیـــم. روس‌ها تحریم‌ها را در حوزه چین دور نمی‌زنند، بلکه روابط دوجانبه‌ای ایجاد می‌کنند که کاملاً رســـمی اســـت. آن کارهایی که روس‌ها در امارات و... می‌کنند بخش عمده‌ای مربوط به دور زدن تحریم ســـقف قیمتی اوروپاســـت که با هند انجام می‌شود و مربوط به حوزه چین نیســـت. ما امروز در وضعیت عدم توازنیم. اگر بحث می‌کنیم که تاجاره به انتخابیم و انتخاب معقول در این نقطه از آمریکایی‌ها شروع نمی‌شود، وجهی به خاطر این است که الان منافع ما با آمریکایی‌ها در وضعیت جدید همگرایی کمتر ما با این‌ها آســـیب ببینید ولی وقتی این طرف هنوز لنگ می‌زند، یعنی کار درست این طرف هنوز اتفاق نیفتاده آنجا دستور کاری ندارید که بنشینید.

دستور کار این می‌شود که یکســـری سفارش‌ها می‌دهد و شما اینجا ارزیابی می‌کنید و نهایت این اســـت که هرچه کفته پذیرید. او ببیند شما پذیرفته‌اید دســـتورات بعدی را می‌دهد و اجازه نمی‌دهد به نقطه آرامش برسید که حالا بعدها به‌صورت آزادانه انتخاب‌های خود را دقیق انجام‌دهید. دکتر شاکری فرمودند پیچیدگی‌های زیادی در این مدل اســـت و نقطه ضعیفی را هم بگویم. این اســـت که آن تفکر را کنار بگذاریم یعنی با روسیه بتوانیم آن مدل برنامه مشـــترک همکاری تعریف کنیم که نه فقط بگوییم این‌ورآن را می‌خواهیم یا بتوانیم با چین برنامه مشـــترک همکاری تعریف کنیم. اگر توانستیم چنین کاری کنیم تازه بازیگری می‌شـــویم که تأثیرگذار است و وقتی به این نقطه رســـیدیم می‌توانیم انتظار داشته باشیم آمریکا برای اینکه ضرب مشکلات ناشـــی از همکاری‌های ما را بگیرد آماده شود بخواهد امتیازاتی را بدهد. در غیر این صورت مبنای ما از همکاری‌های ما با چین‌ها تدارک بیینیم یک طرف دستور می‌دهد و یک طرف باید اجرا کند یا باید منطق باشد تنبیه شود.

آقای دکتر شـــاکری، جنابعالی بارها به این موضوع اشاره کرده‌اید که ایران مابین سه قطب یعنی روسیه، چین و آمریکا باید برای خود نقشی تعریـــف کند. ما در دوره معاصر زنـــدگی‌مان آن نوع تعامل یا دنیا و ایدقدرت‌ها را داشتیم. چگونه می‌توان به این نوع نقش دست‌یافت.

شـــاکری بله. بر همان نظر خود هســـتم و حتی با اصرار بیشتر بر این نظر هســـتم. دقیقاً یک نمونه مهم در پرونده‌های سیاست خارجی ما، موضوع عربستان است. اولاً یک اشتباه مهمی انجام شد به معنی تعریف سیاست همســـایگی. اصلاً منکر این نیســـتیم که همکاری دوجانبه با کشورهای همســـایه برای ما مهم است، اما به شرط اینکه درک کنیم این یک کالای بدیل تعیین‌کننده روابط ما با قدرت‌های بزرگ نیســـت. این نیست که چون الان نمی‌توانیم با قدرت‌های بـــزرگ کار کنیم، پس حالا یا چالش‌های اقتصادی‌مان را از طریق سیاست همسایگی حل کنیم. حرف ما در حوزه توافقات این اســـت که شما وقتی در داخل عمان یا بغداد با عربستان‌ها صحبت می‌کنید، این فرق می‌کند با اینکه در پکن با عربستان‌ها صحبت کنیـــد. اینجا خود رفت و آمد بین روابـــط دوجانبه و روابط بین‌الملل را می‌پذیرید. حالا باید درک کنید چه چیزی می‌دهید و مابه‌ازای آن چیزی که می‌دهید، چیزی می‌گیرید یا خیر. شما چه چیزی در پرونده توافق پکن دادید؟ به عربستانی‌ها در لحظه‌ای که نیاز داشتند آرامش دادید و به آنها در مقابل مخالفت داخلی کنگره برای ایجاد پیمان امنیتی آمریکا با عربستان، امتیـــاز دادید (این دیدگاه در کنگره پرطرفدار بود که وقتی عربســـتان در وضعیت شبه‌جنگی با ایران به سر می‌برد، معنایی ندارد پیمانی با عربستان منعقد شود). پس او نیاز داشت حدی از کنترل تنش را با شما انجام دهد، ولو به ازای این موضوع، فلســـطین را زیر پا له کند و تقاضای خود را برای داشـــتن غنی‌سازی بومی له کند، اما فقط پیمان مشترک را به‌دست بیاورد. آنها برای طرح‌های بلندپروازانه در نقطه لولای «محور ردمد» با اسرائیلی‌ها نیازمنـــد آرامش و امنیت بودند. بحث این بود که وقتی از امنیت صحبت می‌کنیم، دلیلی ندارد ایـــن کالای امنیت یک‌پارچه به فروش برود. مابین امنیت در خلیج فارس و امنیت در شمال عربستان و امنیت در عربستان و حتی امنیت نفت در خلیج فارس، موضوعات مختلفی وجود دارد و اینها موضوعات جداگانه‌اند. آیا به اینها در این تفکیک فکر شـــده است؟ نکته بعدی این است که شما وقتی این را در چین انجام می‌دهید و این بخشی از نیاز چین و همکاری مشترک جدا شده در سمت شمال و جنوب خلیج فارس اســـت و می‌خواهد همکاری متنوعی را در شمال و جنوب خلیج فارس ایجاد کند، این همکاری متنوع مصادیقی دارد.

شما در اینکه امتیازی در حوزه امنیت خلیج فارس به عنوان یکی از آخرین ابزارهای سلبی به طرفین یعنی چین و عربستان می‌دهید، در نقطه‌ای هســـتید که برای توسعه خود برنامه‌ای داشته باشید که از چینی‌ها چیزی بخواهید یا اگر چینی‌ها به شما چیزی را پیشنهاد بدهند، بفهمید آنها این را پیشنهاد می‌دهند تا بخواهید! مطلق اینکه شما بگویید ما کاری نکردیم، ما چیزی ننوشـــیم، ما توافق حقوقی امضا نکردیم، پس ما چیزی ندادیم که دنبال این باشـــیم که چیزی بگیریم، حرف غلطی اســـت. مهم‌ترین چیزی که شما دادید، زمان است. انگار زمان معنایی در سیاست خارجی ما ندارد. اما برای طرف مقابل زمان موضوع مهمی اســـت. جلوتر بحث می‌کنیم که همچنان زمان مسئله مهمی اســـت. باز بدیل مخالفت با توافق یکن این نیســـت که خوب است از فردا راهی پیدا کنیم که موشک بالای خلیج فارس رد و بدل شـــود، یعنی به معنای تنش بیشتر نیست. به این معنااست که حتی تنش‌زدایی هم نیازمند چهارچوب و قاعده و داشتن خواسته است. فرصت‌ها یک بار رخ می‌دهند و ده بار تکرار نمی‌شوند. آن گذشت، ولی در بعدی‌ها باید بدیل داشتیم که یک رویکرد انتظام‌محور روی زمین و احترام‌گذارنده به زمان داشته باشیم.

یکی از موضوعاتی که دکتر شاکری بدان اشاره کردند، بحث خارج کردن سیستم تسویه ارزی ایران از زیر چتر آمریکایی‌هاست و عمدتاً بحث درهم و تســـویه در امارات است. اگر اشتباه نکنم، روس‌ها با طراحی تجارت دوجانبه با چین، ســـیســـتم تســـویه تجاری و پرداخت رســـمی مســـتقل از آمریکا طراحی کردند که در تحریم‌ها خیلی به آنها کمک کرد.

شاکری بلـــه، روســـیه و چین دفتر دوجانبه دارند و اساساً این کاری که در حوزه بوهان و افزایش دارایی خارجی بانک مرکزی روسیه می‌کنند، بخشی از نقشه تجاری متوازن است.

حال ســـؤال این اســـت که آیا این امکان برای ما هم وجود دارد که بتوانیم مثل روســـیه روابط دوجانبه یا چین طراحی کنیم که ســـیستم پرداخت رسمی و تســـویه تجاری مستقل از درهم و چتر آمریکایی‌ها داشته باشیم؟ اگر امکان‌پذیر اســـت، چرا تاکنون به سمت آن نرفتیم؟ موانعی از ســـمت چین وجود دارد یا ما به سمت آن حرکت نکردیم؟

فکری ببینید، چینی‌ها قطعاً تمایل دارند و حتی این آمادگی را دارند که ابزارها را تعریف کنند. یعنی ابزارهایی که مورد نیاز برای این کار اســـت را تعریف کنند. منتها در اینکه چرا ما درهم را انتخاب می‌کنیم و چه شـــد به این ســـمت حرکت کردیم و چین سیستمی را در رابطه تجاری با طرف چینی پیاده کردیم، صحبت زیاد اســـت. طبیعی است که طرف چینی تمایل دارد وقتی ریسک‌گریز نفت از ایران را خود برمی‌دارد، منافع ناشی از آن ریســـک را هم به او برسد و حداقل در آن شریک باشد. اما اگر به این ســـمت برویم که بخواهیم طوری منافـــع را تعریف کنیم که هزینه‌های تجاری برای طرف چینی خیلی بالاتر از این منافع باشـــد، طبیعتاً از آن فاصله می‌گیرد. این اســـت که به صورت کلی بخواهم بیان کنم هم چین دنبال چنین چیزی است، یعنی هم این را در جهت منافع خود می‌بیند که روابـــط با ایران را دوجانبه کند و هم آمادگی این را دارد که ابزارهای لازم برای این کار را تعریف کند.

دکتر شـــاکری بهتر می‌توانند مثال بزنند چون در حوزه‌های دیگر بیشـــتر از مـــن اطلاع دارند. من می‌خواهم مثالی بیان کنم. وقتی قراردادی را در یک پروژه‌ای می‌بندید که فرضاً پروژه معدنی در ایران باشـــد، اگر سیستم قوا باشد یعنی سیستمی باشد که دوجانبه بخواهد تعریف شود، تا جایی که روابط دوجانبه ایـــران و چین اجازه بدهد، باید نیازهای این پروژه در همان چهارچوب تأمین شود. اما اگر شما بخواهید بگویید من می‌خواهم بخشی از این نیازها را از چایی تأمین کنم که حتی شما هم بدان به صورت مســـتقیم دسترســـی ندارید، نتیجه این می‌شود که شما پول بیرون از این ســـیستم دوجانبه را نیاز دارید. وقتی سیستمی باشد که دوجانبه بخواهد تعریف شود، تا جایی که روابط دوجانبه ایـــران و چین اجازه بدهد، باید نیازهای این پروژه در همان چهارچوب تأمین شود. اما اگر شما بخواهید بگویید من می‌خواهم بخشی از این نیازها را از چایی تأمین کنم که حتی شما هم بدان به صورت مســـتقیم دسترســـی ندارید، نتیجه این می‌شود که شما پول بیرون از این ســـیستم دوجانبه را نیاز دارید. وقتی سیستمی باشد که دوجانبه بخواهد تعریف شود، تا جایی که روابط دوجانبه ایـــران و چین اجازه بدهد، باید نیازهای این پروژه در همان چهارچوب تأمین شود. اما اگر شما بخواهید بگویید من می‌خواهم بخشی از این نیازها را از چایی تأمین کنم که حتی شما هم بدان به صورت مســـتقیم دسترســـی ندارید، نتیجه این می‌شود که شما پول بیرون از این ســـیستم دوجانبه را نیاز دارید.

در موضوع کالاهای اساسی که مطرح شد، سال‌ها بود ما از آمریکای جنوبی بخشی از کالای اساسی را تأمین می‌کردیم. مبانع دیگری برای تأمین کالای اساسی وجود دارد. ولیکن چون یک سیستمی را تعریف کردیم و تصویر ذهنی ما این اســـت که فشارهای تحریمی که الان روی ما ســـاست گذاراست، یعنی احتمالاً یک مذاکره می‌شـــود یا این فشارها برداشته می‌شود، بنابراین دائماً سعی می‌کنیم سیستمی که بدان «دور زدن تحریم» می‌گوییم را تقویت کنیم. یعنی به ســـمتی برویم که الان مثلاً آمریکا بابت کانالی که داشتیم که از چین به امارات می‌رســـید و از امارات به اروپا می‌رسید و از آنجا به برزیل می‌رفت، یک نقطه را یکباره دســـت گذاشته و ضربه می‌زند. ما این را در جای دیگر و پرانتز دیگری باز می‌کنیم و مشکل را حل می‌کنیم، چون فکر می‌کنیم که این فشـــارها گذراســـت و احتمالاً تا دو ماه دیگری با مذاکره حل می‌شود و همچنین تصویر ذهنی ما این است که اگر بتوانیم آن مســـیر ســـنتی را حفظ کنیم، یک ســـیر ماه‌گذاری برای ایجاد مســـیر سنتی کردیم و نیاز به سرمایه‌گذاری مجدد نداریم. یعنی ریسک خود را پایین می‌آوریم.

**آقای دکتر شـــاکری، یک از مسائلی که ما به‌طور مستقیم با چینی‌ها مواجه بودیم، مسئله عادی‌سازی روابط با عربستان است. به باد دارم شما آن زمان به فرم عادی‌